

بررسی ایجاد پیمان منطقه‌ای عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی:

فرصت‌ها و چالش‌ها

عبدالرضا فرجی‌راد

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

صلاح غلامویسی^۱

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای (آسیای مرکزی)، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۳/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

چکیده

ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی و قفقاز یکی از مفاهیمی است که در راستای غیراتمی کردن این منطقه ایجاد شده است و هدف آن علاوه بر گسترش امنیت و ایجاد ثبات در منطقه، گسترش صلح و امنیت جهانی نیز می‌باشد. وجود چالش‌های اتمی و غیر اتمی عمده در این منطقه از جمله همجواری با قدرت‌های اتمی چین و روسیه، نزدیکی با دو کشور دارای سلاح اتمی (هند و پاکستان)، مشکلات زیست محیطی باقیمانده از دوران شوروی سابق، تروریسم، اهمیت ژئوپلیتیک منطقه و حضور نیروهای فرا منطقه‌ای، آسیای مرکزی را به یکی از مناطق حساس بلاخص در دهه‌های اخیر تبدیل کرده است. لذا ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح اتمی در این منطقه می‌تواند پاسخی عقلانی به چالش‌های موجود بوده و مقاله‌ی اخیر در صدد است علاوه بر بررسی مشوق‌های تاریخی، ژئوپلیتیکی در ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح اتمی به علل و عوامل ایجاد این منطقه و موانع آن در آسیای مرکزی نیز بپردازد.

کلید واژه‌ها: منطقه‌ای عاری، آسیای مرکزی، سلاح اتمی، امنیت، قدرت‌های بزرگ، سیاست خارجی.

مقدمه

منطقه عاری از سلاح هسته‌ای بحثی است که از ابتدا با بحث قرار داد عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و همچنین قرارداد منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای شروع شد و سپس توجه را به سوی چندجانبه کردن و همگانی کردن این قرارداد سوق داد. زیرا از همان آغاز بحث‌های عدم گسترش معلوم شد که یکی از موانع عمده این قرارداد و متعاقب آن گسترش سلاح‌های هسته‌ای، فاکتورهای منطقه‌ای می‌باشند که نقش عمده‌ای را در ناامن کردن مناطق بازی کرده و باعث گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌شوند. بنابراین بحث کنترل سلاح بحثی است که علاوه بر مفاهیم مربوط به خود نیاز به شناخت متغیرهای منطقه‌ای نیز دارد. مجموعه‌ای از این عوامل و سایر عوامل بین‌المللی باعث شده دیدگاه جهانی به سوی ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای جلب شود. تمام مناطق عاری از سلاح هسته‌ای که به وجود آمده‌اند ریشه‌ی آن‌ها به واقعیت‌های جنگ جهانی دوم و جنگ سرد بر می‌گردد.

در اواخر جنگ جهانی دوم بمباران دو شهر ژاپنی و به دنبال آن ایجاد جنگ سرد موجب به وجود آوردن یک هشدار اخلاقی^۲ در میان مردم جهان شد که خود محرکی شد برای ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای، ولی با این وجود این محرک‌ها و پیشنهادات قبلی‌ای که اروپای مرکزی و کشورهای شمال اروپا به منطقه‌ای عاری از سلاح اتمی در طول جنگ سرد تبدیل شود به شکست انجامید. با این وجود تعدادی از پیشنهادات و قراردادهای علی‌رغم جنگ سرد ادامه و توسعه یافتند. از جمله تلاتوکو و راروتونگادر امریکای لاتین. و با از بین رفتن جنگ سرد دیگر مناطق نیز فرصت این را یافتند که با پیگیری پیشنهادات در راستای عاری کردن منطقه خود به اهداف مورد نظر دست پیدا کنند. از جمله قرارداد بانکوک برای جنوب شرقی آسیا و پلین دابا برای آفریقا. پیمان منطقه‌ای عاری از سلاح اتمی ابتدا توسط سازمان ملل تصویب شد و بعد از آن توسعه دولت‌های قدرتمند یعنی دولت‌هایی که نقش عمده‌ای را در عدم گسترش سلاح و خلع سلاح و مهمتر از همه در امنیت بین‌المللی دارند نیز به صورت جداگانه امضا شد. ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای اولین بار از سال ۱۹۶۷ با قرارداد تلاتوکو در مورد امریکای لاتین و کارائیب آغاز شد. اگرچه اکثر مناطق عاری از سلاح اتمی دارای الزامات و مشترکات زیادی می‌باشند ولی هر منطقه بنابر اقتضای خاص خود و هر کشوری بنابر تعریف خود از امنیت پایبندیش با قراردادهای دیگر نوع خاصی از الزامات را در رابطه با منطقه عاری از سلاح اتمی رعایت می‌کند که این شامل تعریف‌های متفاوت از منع فعالیت‌ها، تعریف منطقه عاری، بازرسی، راستی آزمایی خواهد بود و اغلب این مناطق دارای سیاست، استراتژی، فرهنگ، اقتصاد خاص خود می‌باشند. اگر برای هر نقطه از دنیا یک چنین قراردادی بسته شود می‌توان در انتظار جهانی عاری از سلاح هسته‌ای بود به خصوص اگر توجه کنیم که معضلات امنیتی، منطقه‌ای هستند اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای را دامن می‌زنند.

².ethical code

سوال اصلی: ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی چه نقشی را در ارتقاء جایگاه کشورهای منطقه، در تمامی سطوح بازی می‌کند.

فرضیه: به نظر می‌رسد ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی نقش مهمی را در ارتقاء جایگاه کشورهای منطقه، در تمامی سطوح بازی می‌کند.

تعریف مفهوم

ماده‌ی ۷ NPT که در سال ۱۹۷۰ تصویب و در سال ۱۹۷۵ توسط سازمان ملل طی قطعنامه‌ی ای تایید شد بر حق کشورها برای ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح اتمی تاکید می‌کند. ماده‌ی ۷ منطقه‌ی عاری را اینچنین تعریف می‌کند (potter and et al 2008). وضعیت فقدان کامل سلاح‌های اتمی در منطقه‌ای که از آن نام برده شده است و در این راستا سیستم بین‌المللی تحقیق و کنترل برای تضمین پایداری به پیمان را فرا می‌خواند. کشورها و حتی یک قاره می‌توانند قلمروی خود را یک منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای اعلام نمایند اما تعهد و ضمانت در مورد نحوه‌ی عاری کردن این منطقه را پیمانی بین‌المللی با دوره‌ی زمانی نامحدود تایید می‌نماید. این پیمان‌ها معمولاً سیستمی کنترل‌کننده و رسیدگی‌کننده دارند که به آن سیستم ملزم شده‌اند. مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای ثبات و امنیت منطقه را به شکل‌های مختلفی افزایش می‌دهد: تضمین می‌نماید که کشورهای همسایه سلاح‌های هسته‌ای را گسترش ندهند و بدین ترتیب مانع از هرچه بیشتر مسلح شدن این کشورها می‌شوند. پروتکل‌هایی که به این پیمان‌ها الحاق می‌شوند شامل تعهد و الزام کشورهای هسته‌ای مبنی بر این است که آن‌ها با سلاح‌های هسته‌ای، کشورهای دیگر را تهدید و یا به آن‌ها حمله نکنند (رژا ۱۳۸۳، ص. ۱۳۸). منطقه‌ی عاری باید دارای سرزمین مشخصی باشد که این قلمرو شامل تمام کشورهای عضو از آب‌های ساحلی گرفته تا دریاچه‌ها و دریا‌های داخلی، آب‌های جزیره‌های داخلی و همچنین فضای بالای کشورها را در برگیرد. البته در بعضی از پیمان‌ها کشورهای عضو با هم توافق کرده‌اند که این قلمرو را به حوزه‌ی اقیانوس‌های مجاور هم گسترش دهند. امریکای لاتین صدها کیلومتر از حوزه‌ی اقیانوس‌های کشورهای عضو را در اقیانوس‌های آرام و اطلس به منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای اضافه کرده است اما در همین محدوده‌ی اقیانوس‌ها، کشورهای اتمی برای تردد آزادند (crail and et al, 2011). مرز یکی دیگر از ویژگی‌های مفهوم منطقه‌ی عاری می‌باشد که باید به آن توجه کرد. تمام مناطق عاری از سلاح اتمی، داخل مرزهای خود را از طریق عضو شدن در آژانس انرژی اتمی از سلاح‌های اتمی و استقرار آن‌ها حصول می‌دارند. در منطقه‌ی عاری تمام کشورها مرزهای خود را فارغ از دریا‌های مجاور سرحد، منطقه‌ی عاری اعلام می‌کنند و نسبت به مفاد پیمان منطقه‌ی عاری تا سرحد مرزها وفاداری نشان می‌دهند. هرچند که بعضی از پیمان‌ها از جمله پیمان تلاتلوکو و بانکوک شرایطی را فراهم کرده‌اند که دریا‌های مجاور منطقه‌ی عاری هم غیرهسته‌ای شوند. اگرچه این مناطق باید دارای شرایطی باشند که منطقه‌ی عاری دارد ولی همواره این شرایط نقض شده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است (www.armscotrol.org, 2011). یکی دیگر از ویژگی‌های منطقه‌ی

عاری حاکمیت است. هرچند که هیچ کدام از قراردادهای نباید طبق شرایط کشورهای عضو باشد و باید دارای ماده‌های واحدی باشد که برای هر کشوری در هر جا الزام آورد باشد (schiff, 1952, p.100) ولی با این وجود هر منطقه شرایط خاص خود را دارد و قرارداد خود را متناسب با آن تعیین می‌کند و آژانس هم شرایط مخصوصی را برای بازرسی و نگهداری هر منطقه در برابر سلاح‌های اتمی دارا می‌باشد (alvez and et al, 1997, p.11). یکی از مواردی که در حوزه‌ی حاکمیت قرار می‌گیرد ترانزیت است. اگرچه ترانزیت سلاح‌های هسته‌ای در منطقه‌ی عاری طبق مفاد پیمان ممنوع است ولی تمامی کشورهای مناطق عاری این عمل را بر خود هموار کرده و اجازه این کار را می‌دهند هرچند که نوع و مقدار این نقل و انتقالات باید توسط پیمان به صورت واضح تعریف شود (alvez and etal, 1997, p.12) به طو مثال جزیره دیگوگارسیا در اقیانوس هند که جزء حاکمیت منطقه‌ی عاری از سلاح اتمی آفریقا می‌باشد ولی هیچکدام از دو کشور آمریکا و انگلیس این جزیره را جزء پیمان پلین دابا نشناخته و در این جزیره دارای سلاح و نیرو می‌باشند (van creveld, 1993, p.85). حاکمیت کشورها در منطقه‌ی عاری تحت تاثیر عواملی چون کشورهای قدرتمند هسته‌ای، شرایط ژئوپلیتیک و روابط خارجی کشور مورد نظر قرار دارد که هر کشور متناسب با این عوامل به تشریح شرایط خود در منطقه‌ی عاری می‌پردازد و بسته به اهمیت این کشور شرایط آن در پیمان لحاظ می‌شود (mukai, 2005, pp.81-82) آنچه که در بحث حاکمیت باید به آن توجه کرد اینست که هرچه کشور مورد نظر برای قدرت‌های بزرگ اهمیت بیشتری داشته باشد حاکمیت آن بیشتر دارای نوسان ناشی از دخالت این قدرت‌ها می‌باشد و طبعا مفاد پیمان بیشتر تحت نفوذ این قدرت‌ها طراحی خواهد شد.

سابقه‌ی تاریخی منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای مرکزی

پنج کشور آسیای مرکزی شامل ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان پس از ۵ سال مذاکره‌ی مستمر بالاخره در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۲ میلادی در مورد قرارداد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای این منطقه به توافق رسیدند. این پنجمین قرارداد منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای در جهان محسوب می‌گردد البته این قرارداد هنوز امضا نشده است و انتظار می‌رود پس از جلب نظر مساعد پنج قدرت هسته‌ای در مورد متن این قرارداد کنفرانس دیپلماتیک برای امضای آن برگزار شود. در عین حال امضای قرارداد تاکنون به تاخیر افتاده است. (بلوچی، ۱۳۸۳، صص ۹۹-۹۸) سابقه‌ی ایده‌ی قرارداد منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای مرکزی به سال ۱۹۹۲ و ابتکار مغولستان در اعلام این کشور به عنوان کشوری عاری از سلاح هسته‌ای باز می‌گردد. علاوه بر اقدام مذکور، مغولستان در این سال پیشنهاد کرد تا منطقه‌ی آسیای مرکزی نیز به عنوان منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای اعلام گردد (rauf, 1998) اما اولین پیشنهاد رسمی مربوط در سال ۱۹۹۳ در ۴۰ و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل توسط اسلام کریم اف رئیس جمهور ازبکستان ارائه شد (www.un.org). متعاقب آن کشورهای قرقیزستان و مغولستان نیز در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶ به طرح موضوع پرداختند اما در عمل پیشرفتی حاصل نشد. (www.cnc.edu, 1997) در واقع اولین گام سیاسی واقعی در روز ۲۷ فوریه ۱۹۹۷ در بیانیه‌ی آلماتی از

سوی روسای جمهور کشورهای آسیای مرکزی صادر گردید، برداشته شد. وزرای امور خارجه کشورهای آسیای مرکزی در روز ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۷ بیانیه ای را در مورد ایجاد منطقه ای عاری از سلاح های هسته ای امضا کردند که به دنبال آن بیانیه ای رسمی ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۸ در دیدار مشورتی بیشکک صادر شد. از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۲ یک گروه از کارشناسان سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی و دیپلمات های کشورهای منطقه با کمک های مالی دولت ژاپن مامور تدوین پیش نویس قرارداد شدند تا این که سرانجام در پایان سپتامبر ۲۰۰۲ نتیجه ی مذاکرات در مورد متن این پیمان رسماً اعلام گردید. «بسیار خرسندم که اعلام کنم که قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در دیدار گروه کارشناسی در سمرقند در مورد متن پیمان ایجاد منطقه ای عاری از سلاح های هسته ای در آسیای مرکزی به توافق رسیدند».

همچنین اولین دیدار مشورتی در روز ۱۸ اکتبر سال ۲۰۰۲ میان کشورهای دارای سلاح های هسته ای و پنج کشور آسیای مرکزی «C5» به منظور توافق در مورد پروتکل الحاقی به این پیمان در خصوص ضمانت های امنیتی منفی صورت گرفت. با اعلام توافق در مورد متن نهایی پیمان در سپتامبر ۲۰۰۲ و موافقت در مورد محل امضای آن یعنی در مکان انجام آزمایش های پیشین شوروی در سمی پلاتینسک^۳ در قزاقستان به نظر می آمد که این پیمان در سال ۲۰۰۲ امضا می شود ولی هنوز هم خبری از تاریخ آن مراسم نیست (رژا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳) در طول سال های طولانی مذاکره در حالی که حسن نیت اولیه وجود داشت اما مشکلات میان دولت ها، اختلاف در منافع و دیدگاه های مختلف در خصوص روابط با روسیه ممکن بود گاهی به متلاشی شدن و انحلال این پیمان بیانجامد. اما نگرانی های مشترک و نیاز به همکاری در ابتدا به روشن شدن مشکلات فنی کمک کرد و سپس به توافق و مصالحه بر سر مسائل سیاسی دشوار نیز منتهی شد (رژا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰).

³ - Semiplatinsk



شکل شماره ۱: نقشه منطقه عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی
منبع: www.drshafiee.blogfa.com

محتوای پیمان

مفاد پیمان منطقه‌ی عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی الهام گرفته از پیمان تلاتلوکو می‌باشد. مقرراتی که برای ایجاد چنین مناطقی طبق ماده ۷ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مقرر شده است ثابت بوده و از شفافیت خاصی برخوردار است، ولی آنچه که پیمان‌های ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای را تا حدودی از هم متمایز می‌کند محتوای مفاد است که نسبت به شرایط و موقعیت منطقه تغییر می‌کند. منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای آسیای مرکزی نیز با توجه به شرایط ژئوپلیتیک منطقه، همجواری با دو قدرت هسته‌ای عضو NPT و دو کشور هسته‌ای که عضو NPT نیستند و تروریسم محتوای مفاد آن با تغییراتی همراه شد که در این تغییرات سعی بر آن شده حداکثر انطباق را با شرایط منطقه داشته باشد و از تکرر گرایي که منجر به دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای شده و اجرایی شدن پیمان را دوباره به تعویق خواهد انداخت جلوگیری شود (Johnson and et al, 1995, p. 125).

شرایط پیوستن

بند ۴ پیمان منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای مرکزی به این امر پرداخته است. طبق این بند تمامی کشورهای آسیای مرکزی می‌توانند با قبول شرایط و معیارهای تعیین شده در پیمان و همچنین

شرایط و ضوابطی که در رابطه با این قرارداد در حیطه بین‌الملل وجود دارد به این پیمان پیوندند و هیچ گونه محدودیتی را برای کشورهای خاص در نظر نگرفته است. اگرچه این پیمان به صورت منطقه‌ای است و معمولاً کشورهایی که در یک حوزه جغرافیایی قرار دارند و دارای تاریخ نسبتاً مشترکی می‌باشند با هم در این پیمان شریک می‌شوند ولی این پیمان محدودیتی را برای دیگر اعضای خارج از منطقه‌ی آسیای مرکزی در نظر نگرفته است و آنان می‌توانند با پذیرش قواعد و مقرراتی که در رابطه با این پیمان‌ها وجود دارد به عضویت آن در آیند.

حل و فصل اختلافات

بند ۱۱ از پیمان منطقه‌ی عاری به این موضوع پرداخته است. که بر اساس آن کشورهای آسیای مرکزی باید اختلاف خویش را از طریق مذاکره حل و فصل کنند. اگر کشورها نتوانند از طریق مذاکره به توافق برسند باید با توافق همه‌ی اعضا راه دیگری که به نظر همه اعضا مفید است انتخاب شود. آنچه که در این مورد ضروری است این است که اعضا متوسل به زور و قدرت سخت نشوند. (www.disarmament.un.org,2011,p.6)

شرط خروج

بند ۱۶ از پیمان منطقه‌ی عاری به این موضوع پرداخته است. طبق این بند اگر کشوری خواهان خروج از این پیمان باشد باید طی اعلامیه‌ای ضامن قرارداد را که جمهوری قرقیزستان است از موضوع خود و عواملی که موجب اتخاذ چنین تصمیمی شده است را آگاه سازد. سپس قرقیزستان این اعلامیه را به تمام اعضا منطقه عاری و همچنین امضاکنندگان پروتکل الحاقی ارسال کرده و پس از اینکه اعضا دلایل کشور مورد نظر را برای خروج قانع‌کننده دیدند نسبت به این عمل موافقت کرده و کشور مورد نظر می‌تواند از پیمان خارج شود. ماده‌ی ۱۶ تنها عواملی را برای خروج قابل توجیه می‌داند که غیر معمولی بوده و در تضاد با منافع ملی کشور مورد نظر باشد. این روند طبق مفاد پیمان نباید بیشتر از ۱۲ ماه از تاریخ تحویل اطلاعات به ضامن قرارداد «قرقیزستان» طول بکشد (alagappa,1987,p.19).

راستی آزمایی

بند ۸ از قرارداد به این موضوع پرداخته است. طبق این ماده کشورهای عضو پیمان باید به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآیند. آژانس هم طبق قواعد و مقرراتی که برای ایجاد مناطق عاری پیش‌بینی کرده است شرایطی را برای کشورهای مورد نظر در این رابطه اعمال می‌کند که این شرایط شامل:

۱- امضای پیمان NPT و تصویب آن در مجلس کشور مورد نظر برای اجرایی شدن آن.

۲- امضای سند جامع تامین امنیت (lodgard and et al,1983,p.153).

پیمان‌ها و سندهایی که ذکر شد بر امن بودن فعالیت‌های کشورهای عضو از طریق اطلاعاتی که هر کشور سالانه باید در اختیار این مراکز بگذارد نظارت می‌کند (karem, 1988, p. 102) این نظارت دارای ابعاد گوناگونی است که طبق نظر آژانس باید موارد زیر را شامل شود:

- ۱- مکان فعالیت‌های هسته‌ای.
- ۲- زمان آغاز فعالیت‌ها.
- ۳- میزان فعالیت‌ها.
- ۴- تجهیزات هسته‌ای.
- ۵- تشخیص مبدا و مقصد تجهیزات.
- ۶- ساختمان‌های هسته‌ای با تمام جزئیات جغرافیایی و معماری آنان.
- ۷- نحوه‌ی استفاده از مواد هسته‌ای.
- ۸- معادن اورانیوم.
- ۹- ساختمان‌ها و مکان‌های حاوی مواد هسته‌ای معاف شده از یادمان.
- ۱۰- مکان‌های حاوی پسماند مواد هسته‌ای یا فرآوری آن‌ها که نظارت آژانس بر آنها تمام شده است (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵).

پس از ارسال اطلاعات توسط کشور مورد نظر، آژانس با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارد اطلاعات را بررسی و راستی آزمایی می‌کند.

راستی آزمایی آژانس از چند طریق می‌باشد:

- ۱- اطلاعات ارائه شده خود کشور.
- ۲- از طریق دوربین و ماهواره‌های متعلق به آژانس.
- ۳- گزارشات رسانه‌ها و یا گروه‌های مخالف کشور عضو.
- ۴- جستجوی مقالات علمی - هسته‌ای کشور عضو برای آگاهی از میزان توانایی و پیشرفت کشورها در زمینه‌های هسته‌ای.
- ۵- تطبیق مواد با تجهیزات.
- ۶- بازرسی (موسویان، ۸۶، صص ۲۹۱-۲۹۰).

بعد از اینکه آژانس اطلاعات را مورد بررسی قرار داد در صورتی که اطلاعات داده شده از طرف کشور عضو پس از تطبیق با اهرم‌های راستی آزمایی آژانس قانع کننده بود راستی آزمایی به درستی انجام شده و طی یک نامه کتبی به کشور عضو اطلاع داده می‌شود اما اگر آژانس در مورد اطلاعات داده شده دارای ابهام بود کشور مورد نظر را به پاسخگویی نسبت به ابهامات وادار می‌کند و فرصتی را جهت پاسخگویی به کشور عضو می‌دهد تا این کشور بتواند نسبت به رفع ابهامات ایجاد شده اقدام کند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱).

اگر کشور عضو نسبت به رفع ابهامات اقدام کرد راستی آزمایی تثبیت شده و با این عبارت پایان می‌یابد «هیچ گونه موارد فعالیت اظهار نشده ای در کشور وجود ندارد» (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵) ولی اگر پاسخ کشور مورد نظر باز هم دارای ابهام بود درخواست‌های بعدی آژانس که شامل بازرسی تکمیلی می‌باشد شروع می‌شود. در بازرسی تکمیلی است که راستی آزمایی به ایستگاه آخر می‌رسد و نسبت به کشور مورد نظر تصمیم‌گیری می‌شود (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵) کشورهای آسیای مرکزی علاوه به پایبندی به شرایطی که تحت نظر آژانس می‌باشد خود را نیز مقید به امضای پروتکل الحاقی «۲+۹۳» کرده‌اند که این امر علاوه بر اینکه اعتماد سازی در میان کشورهای عضو را گسترش داده شرایطی را فراهم کرده که آژانس بیشتر توانایی مانیتورینگ را داشته باشد. در همین راستا کشورهای آسیای مرکزی علاوه بر پایبندی به مقررات و شرایط آژانس و پروتکل الحاقی در بین خود پیمان‌هایی را نیز بسته‌اند که در راستای راستی آزمایی بیشتر می‌باشد. ابتدا قرار بود که آژانس شبیه آنچه که در پیمان تلاتلوکو می‌باشد بر رعایت کردن و نکردن مفاد پیمان در کشورهای آسیای مرکزی نظارت کنند ولی باتوجه به اینکه اجماعی در بین اعضا در این رابطه به وجود نیامد این شرط حذف شد و به جای آن کشورهای عضو توافق کردند که هر ساله جلسه‌ای را در یکی از کشورهای عضو پیمان تشکیل داده و نسبت به اجرایی شدن پیمان با هم به گفتگو بپردازند. همچنین اگر یکی از اعضا نسبت به اجرایی شدن پیمان در کشورهای دیگر عضو شک نماید می‌تواند با تقاضای تشکیل جلسه‌ی فوری و موافقت کلیه‌ی اعضا نسبت به رفع این مشکل اقدام کند (www.nti.org).

آنچه که در راستی آزمایی باید به آن توجه کرد اینست که هرچه از مراحل آغازین راستی آزمایی به طرف بازرسی تکمیلی حرکت کنیم از میزان توجه به قوانین و حقوق بین الملل کاسته و موضوع ابعاد سیاسی به خود می‌گیرد زیرا که در مراحل آغازین است که می‌توان با اتکا به قوانین آژانس و حقوقی که برای کشورهای عضو معین کرده نسبت به توضیح شرایط خود اقدام کرد ولی در مراحل پایانی و بازرسی تکمیلی آنچه جلوه می‌کند نظر افرادی است که از طرف آژانس نسبت به تشخیص راستی آزمایی مسئولند (موسویان، ۱۳۸۶، صص ۳۱۰-۳۰۹).

پایبندی و عدم پایبندی

بندی که در پیمان مستقیماً به این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد. بندهایی که به صورت مستتر این موضوع را بررسی کرده اند بند ۸ و ۹ پیمان منطقه عاری می‌باشد و علت آن هم اینست که موضوع پایبندی یا عدم پایبندی با موضوع راست آزمایی در ارتباط مستقیم است و این نظام راستی آزمایی است که پایبندی و عدم پایبندی یک کشور را معلوم می‌کند (Burns, 1979, p.32). بدین ترتیب پس از آنکه آژانس بازرسی تکمیلی را از مراکز هسته ای انجام داد اطلاعات جمع‌آوری شده را بررسی می‌کند و اگر اطلاعات درست بود راستی آزمایی انجام شده و همان‌طور که در بحث پیشین ذکر شده طی نامه‌ای این موضوع به اطلاع کشور عضو رسانده می‌شود ولی اگر طی بازرسی تکمیلی اطلاعات دارای تناقض و ابهام بود عدم پایبندی کشور مورد نظر به تعهداتی که داده بود محرز شده و پرونده به شورای امنیت

ارجاع داده می‌شود که این امر عواقب سیاسی، اقتصادی زیادی طی قطعنامه‌هایی که این سازمان بر علیه کشور مورد نظر تصویب می‌کند به بار می‌آورد (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۳۱۰).

اقدامات تنبیهی

پیمان منطقه‌ی عاری از سلاح اتمی آسیای مرکزی با توجه به اینکه خود را مقید به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌داند در نتیجه اقدامات تنبیهی که این آژانس برای متخلفین هسته‌ای در نظر گرفته را قبول کرده است بنابراین کشورهای عضو پیمان اگر پس از اجرایی شدن پیمان منطقه‌ی عاری از مفاد تعیین شده آن تخلف ورزند مورد پیگیری آژانس قرار می‌گیرند که طبق روال آژانس پرونده به شورای امنیت ارجاع داده می‌شود و شورای امنیت با توجه به میزان تخلف و اهمیت استراتژیک تخلف در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و جایگاه آن کشور در سطح بین‌المللی سعی در تصویب قطعنامه‌هایی می‌کند که دارای درجات تنبیهی متفاوتی می‌باشند. هدف شورای امنیت از درجه‌بندی تنبیهات این است که به کشور متخلف انگیزه‌ای بدهد که از تخلف خود برگشته و نسبت به آن راستی آزمایی کند. هرچه کشور عضو در پافشاری به تخلف خود اصرار ورزد درجات تنبیهات بالاتر رفته و سعی شورا بر این است که کشور را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منزوی کنند تا کشور عضو با درک عواقب این انزواگرایی که برای منافع ملی آن در بردارد نسبت به شفاف‌سازی تخلفات خود اقدام کرده و اعتماد به خود را به جامعه جهانی برگرداند. آنچه بدیهی است این است که رویکردهای سیاسی که تابع جایگاه و جهت‌گیری کشور مختلف در سطح بین‌المللی است بیشتر از رویکردهای حقوقی در تصویب و اجرای قطعنامه‌ها و سایر اقدامات تنبیهی موثر است. هرچه اهداف و رویکرد کشور عضو در راستای اهداف کشورهای بزرگ بالاخص کشورهای دائم عضو شورای امنیت باشد کمتر مورد فشار قرار گرفته و قدرت مانور او نسبت به توجیه تخلف او بیشتر است (bolt, 1985, p66).

زمان

بند ۵ پیمان منطقه‌ی عاری از آسیای مرکزی به این موضوع پرداخته است. طبق این بند پیمان نامحدود می‌باشد و زمانی اجرایی می‌شود که ۳۰ روز از تصویب این پیمان توسط پنجمین کشور یعنی آخرین کشور آسیای مرکزی بگذرد (disarmament.un.org).

مشکلات تصویب پیمان

پیمان منطقه‌ی عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی از بدو پیدایش تا مرحله‌ی نهایی شدن متن دارای مشکلاتی گردید که این امر به خاطر موقعیت ژئوپلیتیکی این منطقه و درگیری کشورهای قدرتمند هسته‌ای در مسائل این منطقه می‌باشد. علاوه بر این، این منطقه از لحاظ ساختار دموگرافیکی و مذهبی موازنه‌ای بوده و همین امر مشکلاتی را نیز برای پیمان منطقه‌ی عاری به وجود آورده است. هرچند در متن پیمان سعی شده است که بر نگرانی‌های موجود فائق آمده و مشکلات را با توجه به واقعیت‌ها مرتفع کند ولی این امر در واقعیت با مشکل مواجه شده و هیچکدام از طرفین دخیل در ایجاد مشکلات

حاضر به مصالحه نبوده و بنابراین موانع همچنان ادامه دارد. از جمله موانعی که در تصویب و اجرایی شدن پیمان نقش بسزایی دارند می‌توان به نقش روسیه، امریکا و چین به عنوان بازیگران فرا منطقه ای و پیمان تاشکند و مشکلات خود کشورها به عنوان عوامل منطقه‌ای اشاره کرد (falk, 1979, p. 118).

روسیه و پیمان تاشکند

در این خصوص می‌توان به بند ۱۲ پیمان اشاره کرد که نشان دهنده نفوذ قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه در مفاد پیمان و انعکاس‌کننده‌ی ضعف پیمان ناشی از این نفوذ می‌باشد. طبق قسمت اول بند ۱۲ پیمان منطقه‌ی عاری: این پیمان قراردادهای بین‌المللی پیشین را که کشورهای عضو منطقه‌ی عاری با کشورهای دیگر بسته‌اند را فسخ نمی‌کند بنابراین طبق پیمان قرارداد تاشکند که کشورهای عضو با روسیه بسته‌اند نه تنها فسخ نشده بلکه در موقع لزوم باید اجرایی شود که در این مورد ترکمنستان و ازبکستان که عضو آن نیستند به مخالفت برخاسته‌اند و آن را ناقض استقلال پیمان منطقه عاری می‌دانند. و در این مورد به قسمت دوم بند ۱۲ پیمان اشاره می‌کنند که طبق این قسمت کشورهای عضو پیمان منطقه عاری ملزم به رعایت مفاد اصلی پیمان می‌باشند و یکی از مفاد اصلی پیمان عدم استقرار، عبور و مرور، نصب، ذخیره و تولید سلاح‌های هسته‌ای و یا هر ماده‌ی قابل انفجار هسته‌ای می‌باشد که بند ۳ پیمان به صورت واضح به آن اشاره کرده است (disarmament.un.org) بنابراین همانطور که مشاهده می‌کنید بند ۱۲ پیمان دارای دو مفهوم است. از یک طرف به روسیه اطمینان می‌دهد که قراردادهای پیشین را با کشورهای آسیای مرکزی به هم نمی‌زند و از طرف دیگر با کشورهای نگران (امریکا، انگلیس، فرانسه، ترکمنستان، ازبکستان) پیام می‌دهد که کشورهای عضو منطقه عاری باید مفاد اصلی پیمان را رعایت کنند و این دو با هم در تناقض‌اند. البته نگرانی امریکا و اروپا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در مورد قراردادهای پیشین تا حدودی رفع شد، زیرا خود این کشورها نیز اقدام به بستن قراردادهای امنیتی - سیاسی با این کشورها کردند (kassenova, 2008). در همین رابطه قزاقستان مایل است که مسئله‌ی آزادی عبور و مرور سلاح‌های هسته‌ای به حاکمیت ملی واگذار شود. بدین معنا که هر یک از طرفین بتوانند به طور مستقل در مورد اجازه عبور سلاح‌های هسته‌ای از طریق حریم هوایی، زمینی، دریایی خود تصمیم بگیرند. این در حالی است که سایر کشورها بخصوص ترکمنستان منع کامل چنین نقل و انتقالاتی را ترجیح می‌دهند. یکی دیگر از مشکلاتی که روسیه و سیاست‌های او در تصویب پیمان به وجود آورده است تغییر دکترین هسته‌ای این کشور و رویگردانی آن از سلاح‌های استراتژیکی و روی آوردن به سلاح‌های تاکتیکی می‌باشد. هرچند این سیاست با توجه به این که از فشار روسیه در عدم تصویب پیمان می‌کاهد، مفید به نظر می‌رسد ولی تاثیرات منفی ای که می‌تواند داشته باشد به مراتب بیشتر است، زیرا منطقه آسیای مرکزی با توجه به نزدیکی اش به روسیه و شرایط ژئوپلیتیکی آن پتانسیل استفاده کردن از سلاح‌های تاکتیکی را بیشتر دارا می‌باشد و این امر می‌تواند در ثابت نگه داشتن موضع روسیه در عدم تصویب پیمان مفید باشد (www.cns.miis.edu). از دیگر تناقضاتی که در رابطه با پیمان منطقه عاری و روسیه وجود دارد و یکی از موانع تصویب پیمان است می‌توان به امضای پروتکل الحاقی توسط روسیه اشاره

کرد. تایید و شناسایی پیمان منطقه‌ عاری از سلاح‌های هسته‌ای بسیار حائز اهمیت است، زیرا در غیر اینصورت خطر نقض مقررات مندرج در پیمان منطقه‌ عاری (استقرار و عبور سلاح‌های هسته‌ای) تمامیت قرارداد را تهدید می‌کند. علاوه بر این با توجه به تعهد کشورهای منطقه در کنار گذاشتن گزینه‌ی سلاح‌های هسته‌ای، قدرت‌های هسته‌ای نیز متقابلاً باید از طریق امضای پروتکل الحاقی خود را متعهد کنند که در مقابل آن کشورها به سلاح هسته‌ای متوسل نخواهند شد (بلوچی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲) اگرچه روسیه بخواهد پروتکل الحاقی را امضا کند می‌توان گفت که به صورت صریح قرارداد تاشکند را نسخ کرده است و دیگر نمی‌تواند به ضوابط قرارداد تاشکند که مداخله‌ی هسته‌ای را در صورت تقاضای اعضا و توافق آنها مجاز می‌شمارد پایبند باشد. از انجائیکه استراتژی بلند مدت روسیه در راستای تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی است و از طرف دیگر نمی‌خواهد که حیاط خلوت خود را به آمریکا واگذار کند، امضای پروتکل الحاقی توسط روسیه بعید به نظر می‌رسد. عدم امضای پروتکل هم بالطبع مانع از تصویب و اجرایی شدن پیمان منطقه‌ عاری در آسیای مرکزی می‌شود (Guilhaudis, 1981, p.27).

از دیگر دلایل عدم پیشرفت مذاکرات ایجاد پیمان منطقه‌ عاری در رابطه با روسیه به رقابت‌های منطقه‌ای و نوع روابط برخی از کشورها با روسیه برمی‌گردد. در واقع به دلیل همکاری و روابط امنیتی گسترده برخی از این کشورها مثل قزاقستان با روسیه اصول پیمان منطقه‌ عاری با مفاد قراردادهای امنیتی این کشورها با روسیه متعارض می‌باشد. درعین حال نوع رابطه این قرارداد با دیگر قراردادهای بین‌المللی مثل قرارداد منع اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای باعث ابهامات زیادی در روند پیشرفت پیمان منطقه‌ عاری شده است.

روسیه هرچند در سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ با ایده پیمان منطقه‌ عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی مخالفت نکرده بود اما با گسترش ناتو و اقدامات این سازمان در منطقه بالکان تفسیرهایی مبنی بر امکان استقرار یا عبور سلاح‌های هسته‌ای از منطقه در صورت درخواست اعضای قرارداد تاشکند را مطرح کرد. از سوی دیگر با پیشنهاد اعضای قرارداد تاشکند مبنی بر اینکه مفاد این قرارداد تاثیری بر قراردادهای قبلی نداشته باشد با مخالفت ازبکستان و بخصوص ترکمنستان رد شد و حتی موجب شد که ترکمنستان در جلسه گروه کارشناسی در سال ۲۰۰۰ حاضر نشود (بلوچی، ۱۳۸۳، صص ۱۰۰-۹۹).

امریکا

یکی دیگر از بازیگران فرامنطقه‌ای که اقدامات و استراتژی‌های آن در آسیای مرکزی می‌تواند مانعی برای امضا و تصویب پیمان باشد ایالت متحده امریکا است. امریکا از دیرباز در پی حضور خود در آسیای مرکزی بود. وجود عواملی چون: تروریسم هسته‌ای، همجواری با افغانستان و ایران، نزدیکی به روسیه و فشار بر آن منابع هیدروکربن فراوان و نزدیکی به چین، انگیزه‌ی این حضور را توجیه می‌کرد که حوادث ۱۱ سپتامبر این فرصت را برای امریکا به وجود آورد. در نتیجه‌ی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در توازن ژئوپلیتیکی تغییراتی ایجاد شد. پس از این حوادث امریکا در آسیای مرکزی فعال‌تر شد و نیروهای خود را در ازبکستان و قرقیزستان مستقر ساخت. پیمان منطقه‌ عاری در

آسیای مرکزی هرچند در ابتدا با موافقت اعلانی امریکا روبه رو شد اما به دلیل محدودیت‌هایی که با خود برای امریکا در آسیای مرکزی به همراه آورد همواره از امضای آن طفره رفته و به جای آن بیانیه‌های مستقل ارائه کرده است و برای توجیه چنین وضعی این کشور به مقررات کلی قراردادهای منطقه ای عاری مثل حق شرط در مورد آزادی دریاها متوسل شده است (بلوچی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲). یکی از محدودیت‌هایی که این پیمان برای امریکا ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که از امضای این پیمان خودداری کند بحث آزادی عبور و نقل و انتقال سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد. با توجه به این که آسیای مرکزی خط مقدم کشور افغانستان به شمار می‌رود، امریکا برای تجهیز نیروهای خود در پایگاه‌هایی که در آسیای مرکزی ایجاد کرده به آزادی عبور و مرور سلاح‌های هسته‌ای احتیاج دارد تا بتواند در موقع لزوم پاسخگوی چالش‌های نظامی ایجاد شده در افغانستان باشد. علاوه بر این آزادی عبور و مرور سلاح‌های هسته‌ای توان چانه‌زنی این کشور را با روسیه بالا برده و می‌تواند به عنوان برگ برنده‌ای از آن استفاده کند. مجموعه‌ی این عوامل و سایر عوامل دیگر باعث می‌شود که امریکا نسبت به امضای پیمان منطقه عاری که قابلیت مانور او را در منطقه محدود و حتی از بین می‌برد تردید نشان داده و از امضای آن خودداری کند (رژا، ۱۳۸۳، صص ۱۴۳-۱۴۲).

چین

یکی دیگر از کشورهای تاثیرگذار در منطقه‌ی آسیای مرکزی چین است. چین پس از این که دوره‌ی بیداری اقتصادی - سیاسی خود را آغاز کرد یکی از مناطقی که مورد توجه او قرار گرفت آسیای مرکزی بود. وجود منابع هیدروکربن فراوان، بازار مناسب برای محصولات چینی، وجود اشتراکات فرهنگی «سین کیانگ» از عواملی است که زمینه را برای ورود چین به آسیای مرکزی فراهم کرده است. هرچند چین را نمی‌توان به عنوان مانع برای امضا و تصویب پیمان منطقه عاری به حساب آورد ولی حضور بازیگران هسته‌ای دیگر همچون امریکا و روسیه در این منطقه زمینه را برای بازی سیاسی چین فراهم کرده است. همین امر می‌تواند یکی از عوامل طولانی تر شدن عدم تصویب پیمان و پیچیده‌تر کردن آن باشد. چین همواره در سیاست‌های اعلانی و اعمالی خود موافقت خود را با ایجاد منطقه‌ی عاری در آسیای مرکزی اعلام کرده است. یکی از عواملی که چین را ترغیب به اتخاذ چنین استراتژی‌ای می‌کند وجود امریکا در منطقه است و تلاش چین براین است که با ایجاد منطقه‌ی عاری در آسیای مرکزی امریکا را از مرزهای چین دور کند. زیرا این کشور حضور امریکا را تهدیدی بر علیه خود می‌داند و امریکا نیز همواره از ضعف‌های چین همچون سین کیانگ، حقوق بشر و آزادی بیان به عنوان ابزاری بر علیه جاه طلبی‌های آن کشور استفاده کرده است. یکی دیگر از دلایل حمایت چین از پیمان عاری ایجاد امنیت در آسیای مرکزی است. وجود اقلیت مسلمان افراطی در سین کیانگ چین و اشتراکات فرهنگی آنان با آسیای مرکزی زمینه را برای بروز تنش در داخل چین فراهم می‌کند. علاوه بر این ایجاد محیطی امن در آسیای مرکزی زمینه را برای ورود چین به بازار منطقه فراهم می‌کند. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های هیدروکربن این منطقه و تروریسم هسته‌ای از دیگر عوامل حمایت چین از ایجاد امنیت در آسیای مرکزی و بالطبع پیمان منطقه عاری می‌باشد. مجموعه‌ی این عوامل باعث شده است که چین با حمایت از ایجاد پیمان منطقه‌ی عاری

به عنوان برگ برنده‌ای بر علیه روسیه و بلاخص امریکا استفاده کند. همین امر موجب نگرانی امریکا و روسیه از ایجاد پیمان شده و با آن مخالفت می‌کنند. بنابراین مجموعه‌ی این بازی‌ها که یک طرف آن چین و استراتژی‌های آن کشور است موجب پیچیده‌تر کردن اوضاع شده و مانعی برای امضا و تصویب پیمان منطقه‌ی عاری در آسیای مرکزی بشمار می‌رود (اشتایر، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳).

کشورهای آسیای مرکزی

اگر به وضعیت خود کشورهای آسیای مرکزی نگاه کنیم چالش‌های متعددی به چشم می‌خورد که تنها یکی از آنان تهدیدات هسته‌ای است. بخصوص در سال‌های اولیه از فروپاشی شوروی و اوضاع ناپسامان از نظر عملکرد دستگاه‌های حکومتی و نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، این وضعیت بارزتر بوده است. از جمله به دلایل متعدد امکان نشت قاچاق و یا سرقت هسته‌ای یکی از تهدیدات محسوب می‌گردد اما به مرور زمان در حالی که سیاست‌های اتخاذ شده برای مقابله با این وضعیت با موفقیت‌هایی همراه بوده، بسیاری از چالش‌های دیگر هنوز مرتفع نشده‌اند. از میان این چالش‌ها می‌توان به تروریسم، فتنه طالبان، فساد اداری، قاچاق مواد مخدر، اختلافات قومی، ملی، مذهبی، جنایات سازمان یافته، بحران‌های زیست محیطی و بیماری‌های جدید (ایدز) اشاره کرد. هرچند از این چالش‌ها به عنوان چالش‌های قرن ۲۱ یاد می‌گردد ولی در منطقه‌ی آسیای این وضعیت نمود خاصی دارد. مثلاً با توجه به قوت زمینه‌های فتنه طالبان در این منطقه امکان نفوذ و فعالیت گرایش‌های افراطی بسیار زیاد است، یکی از اشکال فعالیت‌های افراطی همچنان که در افغانستان می‌بینیم توسط تروریسم است و اگر نگاهی به وضعیت تروریسم در آسیای مرکزی ببینیم می‌توانیم به اقدامات تروریستی زیادی اشاره کنیم. قاچاق اسلحه و مواد مخدر یکی از راه‌های تامین مالی فعالیت‌های تروریستی است. وضعیت افغانستان به خصوص در دوره‌ی طالبان و حتی پس از آن به دلیل عدم سلطه‌ی کامل دولت مرکزی فضای مناسبی برای چالش‌های امنیتی مختلف را به وجود آورده است. بنابراین یکی از ریشه‌های ظهور چالش‌های سیاسی - امنیتی جدید در آسیای مرکزی وضعیت افغانستان قبل و بعد از طالبان است. به طور کلی انتقال ناگهانی و غیر منتظره کشورهای آسیای مرکزی به یک استقلال حقوقی حس شدید ناامنی را در تمام سطوح جامعه اعم از افراد و مقامات کشوری و در روابط درون منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آورده و موجب شده که این کشورها برای غلبه بر این چالش‌ها به همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه با روسیه و کشورهای قدرتمند دیگر روی بیاورند. به طوری که در همین راستا قزاقستان اقدام به همکاری گسترده با روسیه کرده و ترکمنستان برای غلبه بر مشکلات فوق رویکردی مستقل پیش گرفته است. مجموعه چالش‌ها و مشکلات فوق هرچند می‌توانند زمینه‌ای برای همکاری جهت حل آنان به وجود آورد ولی با توجه به رویکردهای مختلفی که کشورهای آسیای مرکزی در حل این چالش‌ها پیش گرفته‌اند منافع آنان با هم متفاوت و گاه متضاد می‌شود و باعث می‌شود که آنان در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی خود دارای رویکردهای متفاوتی باشند. همین امر زمینه را برای دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که دارای منافع در این منطقه‌اند فراهم می‌کند. مجموعه این عوامل باعث می‌شود که کشورهای آسیای مرکزی

برای توافق حول موضوعاتی که دارای منفعت مشترک‌اند با مشکلاتی روبرو شوند. پیمان منطقه‌ای عاری هم یکی از این موضوعات مشترک است که مجموعه عوامل و چالش‌های فوق‌باعث شده که تاکنون این کشورها نتوانند به توافق نهایی دست پیدا کنند هرچند که به خاطر دغدغه‌های مشترک فراوانی که بین این کشورها وجود دارد امید می‌رود که در آیند موانع برطرف شده و پیمان به مرحله‌ی تصویب و اجرا برسد (بلوچی، ۱۳۸۳، صص ۱۰۵-۱۰۶).

عوامل تشویق‌کننده ایجاد پیمان

ایجاد پیمان منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در آسیای مرکزی علاوه بر اینکه تامین‌کننده‌ی منافع ملی کشورهای عضو در تمام زمینه‌ها می‌باشد، دارای مزایا و اثرات مثبتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بوده و همین امر باعث شده که عوامل و بازیگران زیادی در به تصویب رساندن این پیمان همکاری کنند. این عوامل به ۳ سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌شود.

ملی: کشورهای آسیای مرکزی دارای نگرانی‌های مشترک زیادی می‌باشند از مشکلات زیست محیطی باقیمانده از دوره‌ی شوروی « قزاقستان » گرفته تا تروریسم هسته‌ای، افراط‌گرایی مذهبی، مشکلات اقتصادی، فساد اداری و جنایات سازمان یافته، که این مشکلات می‌توانند به عنوان عوامل تشویق‌کننده‌ی حول امضا و تصویب پیمان عمل کنند زیرا قرارداد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای علاوه بر رفع تهدیدات امنیتی، سنتی با توجه به امکانی که برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم خواهد آورد به تقویت امنیت پایدار کمک خواهد نمود زیرا با رفع این خطرات دیگر نیازی به اختصاص بودجه برای پاسخ به نگرانی‌های سنتی وجود نخواهد داشت. از سوی دیگر فرصت و امکان مقابله با چالش‌های امنیتی جدید به وجود خواهد آمد. در مجموع قرارداد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای اثر مثبتی بر روی کشورهای عضو خواهد داشت (بلوچی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶).

منطقه‌ای: هرچه کشورهای عضو پیمان ایجاد منطقه‌ای عاری در آسیای مرکزی در سیاست‌های داخلی خود نسبت به پیمان موفق‌تر عمل کنند اثرات آن در سطح منطقه نیز بیشتر خواهد شد. منطقه‌ای آسیای مرکزی به دلیل شرایط و موقعیت ژئوپلتیکی آن و وجود منابع هیدروکربن فراوان همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. و همین امر زمینه را برای حضور فعال بازیگران در منطقه فراهم کرده است. ایجاد پیمان منطقه‌ای عاری می‌تواند گامی باشد در جهت دور کردن این بازیگران و سیاست‌های آنان در منطقه، علاوه بر این ایجاد و حفظ منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای یک اقدام مهم اعتمادساز و فرصت بی‌نظیری برای همکاری است. مجموعه این عوامل می‌تواند به عنوان تشویق‌کننده‌ای برای کشورهای آسیای مرکزی در جهت امضا و تصویب پیمان به حساب آیند (WWW.igc.apc.org)

بین‌المللی: ساختار نظام بین‌الملل بر پایه نظام دولت‌ها ساخته شده است و هدف آن حفظ و افزایش قدرت و تامین حداکثری منافع است. اگرچه به بهای ناامن کردن منطقه یا کشور دیگری باشد و قدرت‌های بزرگ در آن نقش بزرگی دارند ولی اگر به سازمان‌های بین‌المللی به صورت کلی نگاه کنیم هدف آنان تامین صلح و امنیت جهانی است و در راستای آن نیز می‌کوشند. یکی از این بازیگران بین

المللی سازمان ملل است. در رابطه با قرارداد منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی سازمان ملل از همان ابتدای طرح موضوع در کمیته اول مجمع عمومی آن را کاملاً مورد حمایت قرار داده است و در این راستا سازمان ملل متحد تاکنون قطعنامه‌های زیر را تصویب کرده:

۵۲/۳۸S (۹ دسامبر ۱۹۹۷)، ۵۳/۷۷A (۴ دسامبر ۱۹۹۸)، ۵۵/۳۳W (۲۰ نوامبر ۲۰۰۰) در این قطعنامه‌ها علاوه بر حمایت از ابتکار عمل کشورهای منطقه از دبیر کل سازمان ملل خواسته شده تا کشورهای منطقه را برای رسیدن به توافق اصلی کمک نماید. در راستای این درخواست‌ها معاونت دبیر کل در امور خلع سلاح از طریق مرکز صلح و خلع سلاح در آسیا و پاسفیک این معاونت کمک‌های فنی و تخصصی لازم را در اختیار کشورهای منطقه قرار داده است. کمک‌های فنی، مالی و نیز مشاوره‌ای این مرکز نقش مهمی در پیشبرد مذاکرات گروه‌های کارشناسی داشته است. به منظور کمک به نهایی کردن متن قرارداد معاون دبیر کل وقت سازمان ملل حتی به منطقه سفر نموده و با مقامات بلند پایه ۵ کشور آسیای مرکزی ملاقات کرده است. پس از نهایی شدن متن قرارداد معاونت مزبور ترتیب ملاقات نمایندگان کشورهای منطقه و قدرت‌های هسته‌ای را فراهم آورده است (بلوچی، ۱۳۸۳، صص ۱۰۴-۱۰۳). علاوه بر سازمان ملل که نقش تشویق‌کننده‌ی بزرگی را در امضا و به تصویب رساندن پیمان منطقه‌ی عاری ایفا کرده است سازمان غیردولتی «NGO» ها هم در این زمینه فعال بوده‌اند. به طور مثال مرکز مطالعات خلع سلاح «CNC» و مرکز پولی مطالعات بین‌المللی زمینه را برای نزدیک‌تر کردن هرچه بیشتر کشورهای آسیای مرکزی به سوی ایجاد پیمان منطقه‌ی عاری فراهم کرده است. هدف این سازمان‌های غیردولتی این است که با راه‌اندازی گفت‌وگو میان ایجاد پیمان منطقه‌ی عاری آسیای مرکزی و مزایای آن در جوامع غربی و بعد روسیه و آمریکا مردم این کشورها را با خود همراه کرده و زمینه را برای فشار بر دولت‌های تاثیرگذار در روند تسریع تصویب پیمان ایجاد کنند. علاوه بر این سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نگاه جامعه‌ی جهانی را به سوی آسیای مرکزی و محیط آلوده‌اش جلب کنند تا بتوانند کمک‌های مالی و سیاسی در از بین بردن این آلودگی‌ها را دریافت نمایند (Goldblad, 200). یکی دیگر از عوامل تشویق‌کننده‌ی ایجاد پیمان منطقه‌ی عاری در آسیای مرکزی کشور ژاپن می‌باشد که همواره با کمک‌های فنی، مالی و مشاوره‌ای خود سعی در پیشبرد مذاکرات و تسریع تصویب پیمان نموده است (WWW.armscontrol.org, 2004). مجموعه‌ی این عوامل می‌تواند انگیزه‌های لازم را در کشورهای آسیای مرکزی جهت به نتیجه رسیدن پیمان ایجاد نماید. زیرا تصویب پیمان علاوه بر مزایای ملی و منطقه‌ای صلح و ثبات جهانی را نیز گسترش داده و جهان را نسبت به عمومی‌تر کردن این پیمان در سطح کره خاکی امیدوارتر می‌کند.

نتیجه‌گیری و سناریوهای پیش رو

اگر روند تحول تاریخ جهانی را به صورت گذرا نگاه کنیم کشورها در هر برهه‌ای از این تاریخ نگاه مخصوصی را به خود و منطقه و بین‌الملل داشته‌اند و متناسب با آن دیدگاه به تعریف منافع ملی خود پرداخته و جهت‌گیری خود را در سطح بین‌المللی مشخص کرده‌اند. اگر چه این نگاه همیشه باتوجه به واقعیتی نبوده که در جریان بوده است؛ ولی سعی اکثر کشورها برآن بوده است که واقعیت‌ها را درسیاست

داخلی و خارجی خود منعکس کنند هرچند که گاهی این سیاست‌ها تحمیلی باشد. اگر از این زاویه به منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز نگاه کنیم می‌توان گفت که هدف آنان از بدو تشکیل اتحادیه جماهیر شوروی ایجاد امنیت سنتی در زیر سایه‌ی این کشور عظیم بوده است. این کشورها با وجود آن که جزئی از اتحادیه‌ی جماهیر شوروی به حساب می‌آمدند ولی باتوجه به فرهنگ متفاوتی که داشتند تافته‌ی جدا بافته‌ای به حساب می‌آمدند که مسکو سعی می‌کرد آنان را با سیاست‌های تحمیلی خود همراه سازد به نحوی که در این راستا با تخصصی کردن هر کشور در تولید یک محصول همواره آنان را متوجه نگاه و کمک مسکو می‌کرد و در این راه هم موفق بود. اتحاد جماهیر شوروی در قالب ایدئولوژی کمونیسم آنان را وارد قطب‌بندی‌های خود با غرب کرد. از بعد داخلی هم این کشورها دارای مشکلات فرهنگی و اقتصادی زیادی بودند که به عقب نگاه داشتن آنان از پیشرفت می‌افزود. مجموعه‌ای از این عوامل و عوامل دیگر باعث شد که اتحاد جماهیر شوروی در اواخر عمر خود توانایی نگره داشتن این جمهوری‌ها را نداشته باشد و برای نجات خود استقلال آنان را اعلام کرد. پس از استقلال این جمهوری‌ها مشکلات آنان دو چندان شد، زیرا علاوه بر این که مشکلات دوره‌ی شوروی را به یدک می‌کشیدند، مشکلات جدید ناشی از استقلال و ایجاد هویت مستقل نیز به آن افزوده شد و این امر آنان را با چالش‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی زیادی روبرو ساخت و برای فائق آمدن بر مشکلات این کشورها سیاست‌های مختلفی را چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی پیش گرفتند و هدف آنان این بود که از بعد امنیت سنتی و نظامی و اختصاص دادن هرچه بیشتر منابع ملی به آن کاسته و به سمت ایجاد امنیت جدید حرکت کنند زیرا که امنیت سنتی جنبه‌ی نظامی داشته و بیشتر به حفظ فیزیکی کشور هرچند با اعمال سیاست‌های خشن توجه می‌کند در حالی که امنیت جدید مفهومی است که در قرن ۲۱ پرورش و توسعه یافت و بر توسعه اقتصادی - سیاسی و فرهنگی از طریق ایجاد ارتباط با دنیای خارج و ممزوج کردن آن با معیارهای داخلی تاکید می‌کند. اهمیت این سیاست در این است که امنیت سنتی در هر قالبی که باشد به تنهایی نمی‌تواند موجب ایجاد توسعه و پیشرفت کشور گردد بلکه آن کشور را از جایگاه واقعی خود دور کرده و موجبات سقوط هرچه بیشتر او را در سطح بین‌المللی فراهم می‌کند. در حالی که امنیت جدید باتوجه به معلول‌هایی که با خود به همراه می‌آورد موجبات ترقی شده و جایگاه آن کشور را در سطح بین‌المللی ارتقاء می‌دهد و اگر این دو با هم تلفیق شوند زمینه‌ی ایجاد یک کشور متری و قدرتمند در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم می‌شود. کشورهای آسیای مرکزی هم با درک این واقعیت به این نتیجه رسیدند که توانایی تبدیل شدن به یک کشور قدرتمند با تکیه بر امنیت سنتی را ندارند و این امر علاوه بر این که پتانسیل‌های آنان را از بین می‌برد زمینه‌ی وابستگی هرچه بیشتر آنان را فراهم می‌کند. از طرف دیگر وجود کشور قدرتمند روسیه در همجواری آنان و مشکلات متعدد داخلی فکر هرگونه بلندپروازی نظامی را از آنان دور می‌کرد. بنابراین این کشورها با درک واقعیت‌های موجود به اتخاذ سیاست‌هایی پرداختند که در آن توجه هرچه بیشتر به داخل در تمامی سطوح مدنظر قرار گرفت و برای این امر از تمامی پتانسیل‌های خود استفاده کردند از استفاده از منابع هیدروکربن گرفته تا ترانزیت کالا و

خدمات کشورهای همسایه به یکدیگر. ایجاد پیمان منطقه‌ی عاری در آسیای مرکزی نیز در همین بستر قابل ارزیابی است. کشورهای آسیای مرکزی با اتخاذ چنین سیاستی در پی دست یافتن به اهداف زیر می‌باشند:

- ۱- ایجاد محیطی امن برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه‌ی انرژی و حمل و نقل.
- ۲- ایجاد همکاری بین کشورهای عضو و بدین صورت فراهم شدن زمینه برای کاهش و از بین رفتن اختلافات مرزی و فرهنگی و افزایش همکاری‌های اقتصادی.
- ۳- کاهش و از بین بردن تروریسم هسته‌ای در منطقه.
- ۴- کاهش حضور و دخالت روسیه در امور داخلی کشورها با بستن قراردادهای مختلف.
- ۵- تمرکز بر امور داخلی در تمامی سطوح و تلاش برای کاهش و از بین بردن مشکلات موجود.
- ۶- ایجاد پرستیژ بین المللی و بالا بردن اعتبار منطقه در سطح بین‌المللی.

اهدافی را که کشورهای آسیای مرکزی دنبال می‌کنند نشان دهنده‌ی این است که آنان دارای نگرانی‌های مشترکی هستند و تمرکز آنان برای رفع این نگرانی‌ها سیاست‌های آنان را به طرف ایجاد پیمان منطقه‌ی عاری به عنوان یکی از راههای برونرفت در این زمینه سوق می‌دهد. اگر چه این کشورها در راستای رسیدن به اهداف خود با مشکلات زیادی روبرو هستند، از بستن قراردادهای دوجانبه و چندجانبه با کشورهای بزرگ گرفته تا ساختار شکننده‌ی قومی - مذهبی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه. ولی باتوجه به اهداف مشترکی که در بین تمام کشورهای عضو وجود دارد امید است از میزان اختلافات موجود در راستای امضاء و تصویب پیمان کاسته و زمینه‌ی اجرایی شدن آن را فراهم آورند (un, 1995, p.12).

سناریوهای پیش رو

۱- اولین سناریویی که می‌توان انتظار داشت این است که کشورهای منطقه با آگاهی از میزان اهمیت این پیمان و فوائد آن به همگرایی بیشتر در راستای امضا و تصویب پیمان روی آورده و زمینه را برای اجرایی شدن آن فراهم کنند. اگرچه در این راه با چالش‌های زیادی روبرو می‌شوند ولی با درک کشورها از مشکلات مشترک می‌توانند بر مشکلات موجود فائق آمده و زمینه را برای اجرایی شدن آن فراهم آورند.

۲- یکی دیگر از سناریوهای پیش رو اینست که کشورها هرکدام بنابر تعریفی که از منافع ملی خود کرده اند به اتخاذ سیاست‌های مستقل در سیاست خارجی خود بپردازند. این امر علاوه بر اینکه کشورها را از همگرایی بیشتر دور می‌کند موجب دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی در قالب قراردادهای ۲ جانبه و چند جانبه می‌شود.

۳- از دیگر سناریوهای پیش رو که محتمل‌ترین سناریو نیز می‌باشد این است که کشورهای آسیای مرکزی به ترکیبی از دو سناریوی بالا روی آوردند بدین جهت که ضمن پایبندی به قراردادهای جداگانه خود با دیگر کشورها در راستای امضا و تصویب پیمان منطقه‌ی عاری نیز بکوشند. اگرچه این دو در

بعضی از مفاد با هم در تضاد هستند ولی با ایچاد تبصره‌هایی در پیمان می‌توان زمینه را برای اجرایی شدن هر ۲ پیمان فراهم کرد.

۴- آخرین سناریویی که بعیدترین سناریو هم هست این است که کشورهای منطقه آسیای مرکزی با فسخ کلیه قراردادهای دو جانبه و چند جانبه سیاسی، امنیتی خود با دیگر کشورها به پیمان ایچاد منطقه ای عاری روی آورده و آن را جایگزین مطمئنی برای حفظ امنیت خود قلمداد کنند. این امر تقریباً غیر ممکن است زیرا کشورهایی که به بستن قرارداد با کشورهای آسیای مرکزی اقدام کرده‌اند «روسیه، امریکا، اروپا، چین» دارای منافع حیاتی در آسیای مرکزی بوده و به راحتی تن به فسخ قراردادهای خود با این کشورها نخواهند داد (un, 1997, p.67).

دستاورد علمی - پژوهشی مقاله

اصلاح دهکده جهانی که در قرن ۲۱ به وجود آمد علاوه بر اینکه حکایت از پیشرفت علم و فناوری و سرعت انتقال اطلاعات در جهان می‌کند بر این دلالت دارد که سرنوشت ما آدمهای کره خاکی همانند دهکده ای است که برای بقا به همکاری همدیگر نیاز داریم و این همکاری هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود و هم‌اکنون به چنان درجه‌ای رسیده است که سرنوشت یک نقطه از جهان در سرنوشت نقطه‌ای دیگر از همان کره خاکی تأثیر بسزایی دارد. بنابراین ما همانند عصر امپراطوری‌های گذشته نمی‌توانیم بعنوان یک کشور بدون ارتباط با دنیای خارج به حیات خود ادامه دهیم زیرا که با ارتقاء نیازهای بشری و افزایش روز به روز این نیازها یک سرزمین به عنوان یک کشور حتی اگر هم خیلی بزرگ باشد توانایی برآوردن نیازهای خود را به تنهایی ندارد و احتیاج به همکاری و داد و ستد با کشورهای دیگر را به شدت پیدا می‌کند و این نیاز هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود بطوری که اگر از این همکاری برکنار باشیم بعنوان یک واحد سیاسی فقط به شیوه زندگی‌های عصر گذشته توانایی ادامه حیات را داریم و از قافله پیشرفت بشریت عقب خواهیم افتاد. یکی از این ابعاد همکاری که ما در این جهان به شدت به آن نیاز داریم همکاری در بعد سیاسی می‌باشد. این همکاری تا جایی اهمیت دارد که تمام تار و پود زندگی ما از اقتصادی گرفته تا فرهنگی، به نحوه پایه‌ریزی و ادامه‌دادن آن بستگی دارد بطوری که اگر شیوه پایه‌ریزی آن درست و متناسب با واقعیت‌های جهان امروز باشد آن واحد سیاسی توانایی تأمین منافع ملی خود را بصورت حداکثری پیدا می‌کند، ولی اگر همان واحد سیاسی، سیاست خود را براساس آرمان‌ها و آرزوها پایه‌ریزی کند و ارتباط کمی با جهان واقعی داشته باشد نه تنها آن کشور به جایگاه واقعی خود نمی‌رسد بلکه هر هر روز فقیر و فقیرتر می‌شود. این رویکرد را می‌توان در دو کشور کره‌شمالی و جنوبی به خوبی مشاهده کرد، با آنکه این دو کشور دارای موقعیت ژئوپلیتیکی یکسانی می‌باشند و روند تاریخی مشابهی را پشت سر گذاشته‌اند ولی اکنون از جایگاه متفاوتی در سطح بین‌المللی برخوردار می‌باشند. کره شمالی با پیگیری آرمان‌های دست نیافتنی خود و قطع ارتباط با جهان خارج هر روز فقیر و فقیرتر می‌شود و در حالی که کره جنوبی با شناسایی واقعیت‌های موجود در سیاست بین‌الملل و استفاده بجا از آن نه تنها موجب رفاه اقتصادی در سطح ملی شده است، بلکه از وزنه سیاسی خوبی نیز در سطح بین‌الملل دارا

می‌باشد. این رویکرد را می‌توان در قرن ۲۱ پررنگ‌تر مشاهده کرد، زیرا کشورها پس از پشت‌سرگذاشتن جنگ جهانی که دوره‌ی اوج قطب‌بندی‌های ایدئولوژیکی بود به این نتیجه رسیدند که اگر بخواهند جایگاه واقعی خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کنند باید به سیاست‌های رئالیستی روی آورده و از هرگونه رؤیا پردازی بپرهیزند. با درک این واقعیت است که کشور می‌تواند جایگاه خود را تشخیص دهد و با احترام به نحوه تقسیم قدرت در جهان نسبت به افزایش قدرت خود اقدام کند. این رویه را در تمام نقاط جهان به‌غیر از حکومت‌هایی که پایه و اساس آنان براساس ایدئولوژی‌های آرمان‌گرایانه شکل گرفته است می‌توان مشاهده کرد. یکی از الزاماتی که کشورها و هر واحد سیاسی برای گام‌نهادن در این مسیر به آن نیاز خواهد داشت، امنیت می‌باشد. اگرچه معنای امنیت را می‌توان به تمامی سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترش داد ولی آنچه در اولویت واحدهای سیاسی قرار دارد امنیت فیزیکی می‌باشد. به این معنا که کشور از تمامیت ارضی خود در برابر هرگونه تهاجم داخلی و خارجی حفاظت کند. با رسیدن به این امنیت است که می‌توان در مسیرهای بعدی رشد و توسعه گام نهاد. در قرن گذشته هر واحد سیاسی امنیت خود را در تجهیز نظامی خود و اتحاد با یک کشور قوی می‌دید، ولی با قرن ۲۱ و بوجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و انواع سازمان‌های غیردولتی، دولت‌ها فرصت تازه‌ای یافتند تا امنیت خود را و برای امنیت سنتی جستجو کنند، زیرا سازمان‌های بین‌المللی جدید با تدوین قواعد و هنجارهای جدید نوع تازه‌ای از تعریف امنیت را بوجود آوردند که هم تأمین‌کننده منافع خود کشور باشد و هم در راستای صلح و امنیت بین‌المللی باشد و واحدهای سیاسی نیز در بسط و توسعه‌ی این مفاهیم دخیل بودند. ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای را می‌توان بعنوان یکی از این ایده‌ها نام برد، که از بدو پیدایش آن تاکنون پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است و آنرا می‌توان در نقاط زیادی از کره‌ی خاکی جستجو کرد. از پیمان پلیندا با گرفته تا بانکوک همه و همه در جستجوی ایجاد امنیت دسته‌جمعی با صرف کمترین هزینه برای رسیدن به توسعه و پیشرفت می‌باشند. پیمان منطقه‌ عاری از سلاح اتمی در آسیای مرکزی نیز در همین راستا می‌باشد، و سعی کشورهای عضو براین است که با رسیدن به امنیت دسته‌جمعی شرایط توسعه و پیشرفت واحد سیاسی خود را متناسب با پتانسیل‌های بومی خود فراهم آوردند. این ایده را می‌توان در سراسر جهان گسترش داد و آن را بعنوان جایگزین مطمئنی برای ایجاد امنیت در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی معرفی کرد. با پرورش این ایده و ایجاد مناطق عاری در سراسر جهان دیگر نیازی به صرف هزینه‌های سرسام‌آور از منافع ملی برای امور نظامی نیست و از نگاه شکاکانه جامعه بین‌المللی نسبت به فعالیت‌های اتمی مورد نظر کاسته و زمینه را برای ارتباط موثر و سازنده با کشورهای بزرگ فراهم میکند و این امر موجبات رشد و توسعه پایدار واحد سیاسی مورد نظر را با صرف این هزینه‌ها در جاهای دیگر فراهم می‌کند. با وجود اینکه ایده ایجاد مناطق عاری در جهان دارای موانع و مشکلات زیادی می‌باشد ولی اراده‌ی کشورها و سعی آنان براین کار توانایی آنان را در اقناع قدرت‌های بزرگ بالا برده و چون بصورت واضح در مسیر صلح و امنیت بین‌المللی قدم برمی‌دارند، قدرت چانه‌زنی آنها را در برداشتن موانع بالا می‌برد. با پرورش و گسترش این

ایده می‌توان جلو نفوذ قدرت‌های بزرگ را نیز گرفت، زیرا باتوجه به اینکه روح صلح‌طلبی در این ایده وجود دارد مورد حمایت تمام شهروندان این کشورها قرار می‌گیرد و این یعنی شرکت کردن در بازی که نتیجه آن بُرد بُرد می‌باشد، در حالی که همان واحد سیاسی می‌توانست با حرکت در مسیر نادرست نه تنها تمامی قدرت‌ها را برعلیه خود برانگیزد بلکه موجبات پسرفت جامعه و کشور خود را با انزوای بیشتر فراهم آورد. تمامی کشورهای جهان می‌توانند بادر نظر گرفتن معیارهای ملی و ژئوپلیتیکی خود اقدام به ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای نمایند و امنیت خود را با امنیت دیگر کشورهای پیوند زنند و بدین صورت مورد حمایت ان کشورها و سازمان‌های بین المللی قرار گیرند. این امر میسر نیست مگر با تفکر درست و منطقی نخبگان سیاسی همان کشورها بخصوص در جوامع جهان سوم که حکومت و سیاست بیشتر از آنکه تابع مردم باشد تابع اندیشه و آرای نخبگان سیاسی همان کشور بوده و آنان هستند که یک کشور را در مسیر پیشرفت و یا پسرفت پیش می‌رانند.

منابع

- اشناپیر، وینفرید(۱۳۸۳). فقدان امنیت در آسیای مرکزی. ترجمه حسن نیازی. مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز تحولات ده ساله: تجربیات گذشته. چشم انداز آینده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی(وزارت امور خارجه)تهران، سال اول، چاپ اول، ص ۱۱۳.
- ارژبت، رژا(۱۳۸۳). مفهوم امنیتی‌ای که زمان آن فرا رسیده است: منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای مرکزی. ترجمه بدرالزمان شهبازی، مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز تحولات ده ساله: تجربیات گذشته. چشم‌انداز آینده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی(وزارت امور خارجه) تهران، سال اول، چاپ اول، ص ۱۳۸.
- بلوجی، حیدر علی(۱۳۸۳). منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی، گامی به سوی امنیت پایدار. مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز تحولات ده ساله: تجربیات گذشته. چشم انداز، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی(وزارت امور خارجه)تهران، ص ۹۹-۹۸.
- موسویان، حسین(۱۳۸۳). پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران. تهران: مراکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های روابط بین الملل، ص ۲۹۵.
- Benjamin N. Schiff(1952): international Nuclear Technology Transfer(Dilemmas of Dissemination and control) ,Rowmans Allanheld Publishers, p.100
- Bolt Basil(1985):Statement to the third Review conference of the parties to the treaty on the Non proliferation of Nuclear weapons, Geneva,p.66
- "The united nations and Nuclear Non-proliferation with an introduction by Boutros Boutros.Ghali,Secretary General of the united Nation(1995):Department of public information united nations, New york ,p.125
- Burns Richard(1979):Salt,Nonproliferation and Nuclear weapon free zone ,California state university center for the study of armaments and disarmament,p.32
- Falk Richard (1979):How a Nuclear war can start,p.118
- Guilhaudis,J.F.(1981):Nuclear free zones and zones of peace :the Regional approach to Disarmament within the Non nuclearized Riegions,Arms control ,p.27
- Jozef Goldblat(2000): Nuclear-Weapon-Free Zone Treaties: Benefits and Deficiencies, Published in V. Cserveny et al., Building a Weapons of Mass Destruction Free Zone in the Middle East.

- Mahmoud karem(1988):Nuclear-weapon-free zone in the middle East ((problems and prospects)),Greenwood press new york,p.102
- Martin van creveld(1993):Nuclear proliferation and the future of coflict,The free press,p.85
- Muthiah alagappa(1987):Towards A Nuclear-weapons-free zone in southeast Asia, institute of Strategic and international Studies(isis)Malaysia,p.19
- P.Gasparini Alves and D.B.Cipollone(1997):Nuclear—Weapon—Free Zone in the 21 st Century,(UN:New York)p.11
- Severre lodgard and marek thee(1983):Nuclear Disengagement in Europe, Stockholm international peace Research institute, Taylor & Francis London and new york,p.153
- Stuart E. Johnson and William H. Lewis(1995):weapons of mass Destruction: New perspectives on counterproliferation,National Defense university press,p.125
- Wakana Mukai(2005):The importance Of Nuclear Weapons Free Zones,Journal on Science and World Affairs,Vol. 1,No. 2 ,pp. 81 – 82
- "Non-Proliferation Regimes and Regional Experiences", United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR), 2004 , available at:WWW.arms control.org
- International Nonproliferation Organization and Regims Center for Nonproliferation Studies , "The Central Asia Nuclear– Weapon –Free–Zone(CANWFZ)",Available at www.armscontrol.org
- Peter crail and Daril G.kimball, "Nuclear–weapon–free–) 21 zone(NWFZ)at a glance",available at:WWW.arms control.org
- william c.potter/togzhan kassenova/anya loukianova(2008):central Asia becam A nuclear weapon Free zone(CNS), <http://cns.miis.edu>
- Tarq Rauf, " Momgolias International Security and Nuclear Weapon Free Status", available at:WWW.iir.ubc.ca
- available at :WWW.un.org /Peace and Security /Disarmament
- "February 1997 Almaty Declaration",avalibale at www.cnc.edu
- "Treaty on a Nuclear—Weapon—Free Zone in Central Asia" ,available at :<<http://disarmament.un.org/treatystatus.nsf>, 2011/02/9 ,p. 6
- " Remarks of U.S. Delegation to the Central Asian Nuclear Weapon Free Zone Conferance" , available at :<<http://WWW.nti.org/db/nisprof/shared/CANWFZ/uscommen.htm> available at :<<http://disarmament.un.org/treatystatus.nsf>, 2011 /02/9 ,pp. 3 – 6
- Tog Zhan Casanova, "The Struggle for a Nuclear—Weapon—Free Zone in Central Asia",Bulletin of the Atomic Scientists,Desember 22/2008, available at: www.the bulletin.org
- " Central Asian Stâtes Establish Nuclear–Weapon–Free Zone Dspite Rasian Opposition " , available at:<<http://cns.miis.edu/James Martin Center for Nonproliferation Studies>.
- Burkhard Conrad , " Regional Nonproliferation: The case of Central Asia" , Disarmament Times, available at:WWW.igc.apc.org